

اخوانی‌گرایی و سیاست خارجی قطر در قبال انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۱۶

نبی‌الله ابراهیمی*

چکیده

هدف اصلی این نوشتار، ارائه تحلیلی اخوانی‌گرایانه از سیاست خارجی دولت قطر در قبال انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ م است. کنش‌گری قطر با اقتباس از گفتمان اسلام سیاسی اخوانی، ترکیبی از کنش‌های عمل‌گرا و اخوانی‌گرا را در سیاست خارجی این امیرنشین در جریان خیزش‌های مردمی جهان عرب، به تصویر می‌کشد. بدین ترتیب، نوشتار حاضر، نخست سیمایی کلی از سیاست خارجی قطر، بر مبنای اخوانی‌گرایی و ارائه هویتی نو ترسیم و سپس، شاخص‌های آن را در عمل‌گرایی قطر مورد کندوکاو قرار داده و در نهایت، جایگاه گفتمان اسلام سیاسی اخوانی در سیاست خارجی قطر را در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اخوانی‌گرایی، قطر، هلال اخوانی، سیاست خارجی، عمل‌گرایی، انقلاب‌های عربی، حلف الفضول جدید.

ebrahimiir@modares.ac.ir

* استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال پانزدهم • شماره اول • بهار ۱۳۹۱ • شماره مسلسل ۵۵

مقدمه

سیاست خارجی قطر از زمان روی کارآمدن شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی (امیرکنونی قطر)، در ۲۷ ژوئای سال ۱۹۹۵- کودتای سفید علیه پدر خود شیخ خلیفه بن حمد آل ثانی، با تحولات و دگرگونی‌های ریشه‌ای همراه بوده است. به عبارتی، قطر، سعی داشته به عنوان کشوری کوچک، همواره خود را کنش‌گری بزرگ در صحنه روابط بین‌الملل نشان دهد و از آن در جهت تثبیت نقش منطقه‌ای و بین‌المللی خویش بهره‌برداری کند. همچنین، وزیر خارجه این کشور، شیخ حمد بن جاسم بن جبر آل ثانی (وزیر خارجه و نخست‌وزیر کنونی قطر)، نقش مهمی در ایجاد دیپلماسی قطری و ارتباط با کشورهای جهان، در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بازی می‌کند (۱۴ اکتبر، ۲۰۰۷).

قطر همواره از حمایت آمریکا، بریتانیا و حتی اسرائیل برخوردار بوده است. ائتلاف با آمریکا در سیاست خارجی کشوری که تعداد اعضای ارتش آن از ۱۲ هزار نفر تجاوز نمی‌کند، امری بدیهی است. حمایت از آمریکا در جنگ دوم خلیج فارس، در سال ۱۹۹۱ علیه عراق و به کارگیری پایگاه‌های هوایی قطر توسط نیروهای آمریکایی در جنگ ۲۰۰۳ علیه صدام، از شاخص‌های هم‌سوئی این امیرنشین با آمریکاست. اقتصاد پویا و درآمد سرانه بالا- بیش از ۱۰۰ هزار دلار در سال- که در جهان رتبه نخست را داراست، همگی باعث شده آل ثانی به دنبال تبدیل قطر به مهمترین بازیگر خاورمیانه باشد (نجیم، ۲۰۱۲).

با وجود این، سیاست خارجی قطر در قاموس و شعار مدیریت بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای شکل گرفته است. ابزارهای مهم سیاست خارجی این امیرنشین عبارتند از کنش دیپلماتیکی، اعزام نمایندگان برای گفتگو، تبلیغات سیاسی رسانه‌ای، ابزار اقتصادی، کمک به جنبش‌های تجزیه‌طلب، حمایت از اقلیت‌ها و حمایت از جنگ مسلحانه. در همین رابطه، با انتخاب شدن به میزبانی بازی‌های پایانی فوتبال جام جهانی سال ۲۰۲۲، بلندپروازی‌های برون‌مرزی قطر در سال ۲۰۱۱، عرصه تحولات سیاسی منطقه را بیش از پیش هدف قرار داد. موفقیت دیپلماسی قطر در تلاش برای برون‌رفت لبنان از بحران داخلی و تشکیل دولت وحدت ملی به ریاست میشل سلیمان و به علاوه، گفتگوی سودانی پیرامون بحران دارفور در مارس ۲۰۰۹، شکل و سیمای سیاست خارجی قطر را شکل داد (الدجنی، ۲۰۱۲).

در همین ارتباط، وزارت خارجه قطر، مأموریت کشور خود را ایجاد همبستگی عربی، حل و فصل اختلافات بین‌المللی از راه‌های مسالمت‌آمیز و مشارکت فعال در مسائل و چالش‌هایی که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با آن مواجه‌اند، اعلام کرده است (وزاره الخارجیه، ۲۰۱۲).

با وقوع انقلاب‌های عربی در مصر، تونس و لیبی، شاخص‌های فهم سیاست خارجی قطر بیشتر نمایان شد. به عبارتی، قطر با سیاست رسانه‌ای خود-الجزیره- و سیاست اعمالی، همچون کمک مستقیم مالی به حزب النهضه تونس و مشارکت در ائتلاف ناتو در مداخله حقوق بشری در لیبی، به طور عملی، ترکیب اخوانی‌گرایی و عمل‌گرایی در سیاست خارجی خود را به نمایش گذاشت. زمانی که از مفهوم اخوانی‌گرایی سخن به میان می‌آید، در واقع، گرایش سیاست خارجی قطر به اسلام سیاسی اخوان المسلمین در جهان عرب را تداعی می‌کند. رهبران قطر بر این باورند که در فقدان رهبر بلامنازع عرب، با رسانه‌ای همچون الجزیره و حمایت از پژوهش‌گران و علمای اخوانی می‌توانند رهبری سیاسی جهان عرب و خارمیانه را از آن خود کنند (الحروب، ۲۰۱۱).

قطر، بر خلاف سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که در قبال بهار عربی، خود را در بهترین شرایط، تنها متعهد به سکوت نمودند، عملاً در کنار مخالفان رژیم‌های اقتدارگرا و در کنار حامیان بهار عرب قرار گرفت. سیاست خارجی قطر که «الجزیره» یکی از نمادهای روشن آن محسوب می‌شود، تحولات منطقه‌ای را به مثابه فرصت‌های تازه برای فعال‌شدن قلمداد کرده و با استفاده از اهرم‌های در اختیار خود، سعی در بهره‌گرفتن از آنها با حداکثر امکانات داشته است (تقی‌زاده، ۱۳۹۰).

در همین پیوند، نیل عبدالفتاح، محقق مرکز پژوهش‌های سیاسی الاهرام مصر، معتقد است «هیأت حاکمه قطر در به کارگیری الجزیره به مثابه قدرت هوشمند در سیاست خارجی خود، برنامه‌ریزی گسترده‌ای انجام داده‌اند. الگوی کشور کوچک مؤثر از سوی دوحه، روندی جدید در منطقه خاورمیانه قلمداد می‌شود.» عبدالفتاح اضافه می‌کند که الجزیره به عنوان مهمترین ابزار سیاست خارجی قطر، همواره مؤلفه تأثیرگذار و گاهی ابزار فشار در چانه‌زنی‌های دیپلماتیک دوحه بوده است. بدین ترتیب، قطری‌ها با دعوت از جریان اخوانی در الجزیره، همکاری مستمر با القرضاوی، نیروهای مخالف کشورهای عربی دیکتاتور و گروه‌های اسلامی، سرمایه‌گذاری

گسترده‌ای در تقویت گفتمان اسلام سیاسی اخوانی انجام داد. انقلاب‌های عربی و تقویت هلال اخوانی، یکی از دستاوردهای مهم سیاست خارجی قطر به شمار می‌آید (عبدالفتاح، ۲۰۱۰). بنابراین، این نوشتار، نخست سیمایی کلی از سیاست خارجی قطر، بر مبنای اخوانی‌گرایی ترسیم و سپس، شاخص‌های آن را در عمل‌گرایی و ساخت هویت جدید قطری، مورد کندوکاو قرار داده و در نهایت، جایگاه گفتمان اسلام سیاسی اخوانی در کنش سیاست خارجی قطر را در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی بررسی می‌کند.

الف. اسلام سیاسی اخوانی

جنش اخوان المسلمین، از منظر بسیاری از پژوهش‌گران جهان اسلام به مثابه نوعی حرکت مبتنی بر اسلام سیاسی یا (الاسلامیه) است. نسل اولیه اخوان المسلمین به رهبری «حسن البناء»، در واقع، مشی اعتدالی و گفتمانی داشته‌اند. وی، به هنگام شاگردی رشید رضا در دارالعلوم، تحت تأثیر روح سلفیه قرار گرفت. او می‌خواست رویای سید جمال‌الدین اسدآبادی، مبنی بر تأسیس حزب اسلامی انقلابی حامل ایدئولوژی اسلامی و طرح اسلام رهایی‌بخش را تحقق بخشد (سوزرنون، ۲۰۰۵: ۵). وی در سال ۱۹۲۸، جمعیت اخوان المسلمین را در شهر ساحلی اسماعیلیه پی‌ریزی کرد. محمد جواد باروت معتقد است «جماعت اخوان المسلمین نوعی اسلام سیاسی در قالب جنبش اصول‌گرایی است که ریشه‌هایش به حرکت اصلاح دینی اسدآبادی و محمد عبده می‌رسد» (باروت، ۱۹۹۲: ۲۳).

حرکت اصولی اخوان المسلمین در مصر از اندیشه‌های محمد عبده و رشید رضا و علاوه بر آن، تحت تأثیر مجله «العروه الوثقی» جمال‌الدین اسدآبادی شکل گرفت. حسن البناء، بنیان‌گذار جماعت اخوان المسلمین نقل می‌کند که ما «همگی وابستگان شیخ رشید رضا هستیم». این جماعت، با عمل سیاسی-اسلامی و با شکل منظم در راستای شکل دولت و جامعه اسلامی، حرکت خود را آغاز کرد. این گفتمان در مجله «المنار» بازتاب داشت. حسن البناء در ادبیات اخوانی به نام پدر معنوی شناخته شده است. این رهبر معنوی، امر به معروف و نهی از منکر و سپس یادگیری بومی-دینی را رمز موفقیت جامعه اسلامی می‌دانست. راه‌اندازی مکتب الارشاد در همین زمینه قابل تبیین است (امیل، ۱۹۸۵: ۱۵۶).

جناح بومی اخوانی که با حسن‌البناء در مصر تأسیس شد تا مأمون‌الهدیبی و التلمسانی، همواره و به‌طور مستمر، بر به‌کارگیری سیاست مسالمت‌آمیز از طریق انتخابات و پیمان‌ها تأکید داشت. گسترش سازمان‌های جامعه مدنی با ایجاد دگرگونی و تغییر از داخل با گفتمان اعتدال، از گفتمان اسلام سیاسی اخوانی حکایت داشت (الشری، ۲۷۵: ۱۹۸۱).

در عین حال، برای درک بهتر آنچه این نوشتار عمل‌گرایی اخوان می‌خواند، مناسب است به تبیین نظریه‌های یوسف القرضاوی بپردازیم. به عبارتی، برای فهم سیاست خارجی قطر در انقلاب‌های عربی و تأثیر میراث فکری قرضاوی بر عمل‌گرایی این سیاست‌نو، نیازمند بررسی بیشتر شاخص‌های عمده این رویکرد جدید اخوانی (قرضاویسم)، هستیم.

۱. ارتباط میان اسلام و سیاست

قرضاوی، بر این نظر است که اسلام بدون سیاست، اسلام نیست. اگر سیاست را از اسلام بزدائیم، دین دیگری می‌شود. بر همین اساس، از ضروریات دین اسلام است که سامانه سیاسی و حکومت بر مبنای اصول و فقه اسلامی داشته باشد. در عین حال، مشروعیت این حکومت از اراده مسلمانان است. القرضاوی حکومت را حق مردم می‌داند و از همین راه، ایده «نظریه حق الهی» در قدرت و حاکمیت را نافذ اندیشه و شریعت اسلامی دانسته و قدرت سیاسی در جامعه اسلامی را به‌طور تمام‌برخاسته از اراده مردم می‌داند (بحرانی، ۱۳۸۴: ۴-۱۳۳).

۲. مردم‌سالاری و اسلام

یوسف القرضاوی، معتقد است ویژگی‌هایی برای دولت اسلامی می‌توان برشمرد که می‌تواند با مبانی مردم‌سالاری سازگار باشد. از نظر وی، دولت اسلامی نوعی دولت شرعی قانونی است که دارای اساسنامه و قانون اساسی است. این قانون برگرفته از قرآن و سنت پیامبر است. دولت قانونی اسلام، عنوان وضعیت خاصی جز اسلام ندارد. دولت اسلامی، دولت شورائی است نه استبدادی و حاکم اسلامی از طریق شورا انتخاب می‌شود. در این دولت، وراثت و خویشاوندی سیاسی جایگاهی ندارد (بحرانی، ۱۳۸۴: ۱۳۵).

۳. عمل‌گرایی

پس از انتخابات مجلس مردمی مصر در ۲۰۱۲م، بسیاری از پژوهش‌گران جنبش‌های اسلامی معتقدند حزب آزادی و عدالت وابسته به اخوان المسلمین، رویکردی میانه‌رو را برگزیده و حد فاصل سکولارهای مصری و سلفی‌ها را برای کنش‌گری خود انتخاب خواهد کرد. آنها در پی نوعی الگوی ترکیبی میان دین و مدرنیته و میان هویت دینی و ملی هستند تا از این طریق، بهتر بتوانند عمل‌گرایی خود را به منصفه ظهور برسانند (تسوریف، ۲۰۱۱). عدم مشارکت فعالانه در روزهای نخست انقلاب مصر، تأیید فرماندم قانون اساسی به همراه لیبرال‌ها و تعیین رفیق حبیب، متفکر مسیحی و عضو کلیسای قبطی انجیلی به عنوان معاون رئیس حزب آزادی و عدالت در می ۲۰۱۱م، از شاخص‌های عمل‌گرایی اخوان محسوب می‌شوند (جماعه الإخوان المسلمین المصریه، ۲۰۱۱). در همین رابطه، علی الحراسیس، در مقاله‌ای به نام «پراگماتیسم اسلامی»، معتقد است اخوان المسلمین در جهت ایجاد دولت اسلامی، اجرای عدالت اجتماعی و نفع عامه، همچنین حفظ روابط خود با غرب و آمریکا و بالانحص، احترام به معاهدات بین‌المللی و در نظر گرفتن منافع ملی مصر حرکت خواهد کرد (الحراسیس، ۲۰۱۲). شاید همکاری امنیتی - اطلاعاتی حکومت محمد مرسی با وزارت دفاع آمریکا پس از جریانات ۲۰ مرداد ۱۳۹۱ در صحرای سینا برای سرکوب شبه‌نظامیان سلفی را بتوان از همین زاویه تحلیل کرد.

شیخ یوسف القرضاوی نیز در چارچوب عمل‌گرایی، اعلام کرده است «حوادث، سیاست خارجی خاورمیانه را تغییر داده و غرب، در فکر چگونگی تعامل با اسلام است. اسرائیل نیز نمی‌تواند بر مبنای قدرت به پیش برود». قرضاوی، ضمن حمایت از مداخله ناتو در لیبی، این الگو را قابل اجرا در سوریه می‌داند. بنابراین، وی عملاً قاعده نفی سبیل را نادیده گرفته و تفسیری عمل‌گرایانه و طبق آمال اخوانی‌گرایی از دخالت بیگانگان ارائه می‌دهد. شیخ القرضاوی، در مصاحبه‌ای با فایننشیال تایمز چنین می‌گوید:

«ما از قبل، همه را به انقلاب دعوت کردیم و در آینده نیز چنین است».

در ادامه، این روزنامه، قرضاوی را رهبر معنوی «پراگماتیسم اسلامی» در خاورمیانه عربی معرفی می‌کند. قرضاوی سیاست حزب عدالت و توسعه ترکیه را الگوی میانه‌رو و نمونه موفق سیاست خارجی می‌داند (القرضاوی، ۲۰۱۲).

ب. هویت نو در پرتو خیزش عربی ۲۰۱۱

یکی از مباحث مهم در سطح هستی‌شناسی برای سازه‌انگاران، مسئله هویت کنش‌گران است. هویت عبارت است از فهم‌ها و انتظارات درمورد خود که خاص نقش است. هویت‌ها را نمی‌توان جدای از بستر اجتماعی‌شان تعریف کرد، چرا که آنها ذاتاً آموری رابطه‌ای هستند. هویت‌های اجتماعی، برداشت‌هایی خاص از خود و موفقیت خود را در ارتباط با سایر کنش‌گران نشان می‌دهند و از این طریق، منافع خاصی را تولید می‌کنند که به تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها شکل می‌دهند. اینکه هویتی خود را دوست، دشمن یا رقیب دیگری بدانند، تفاوت بسیاری در نحوه تعامل آنها ایجاد خواهد کرد (Wendt, 1994: 348-57).

سازه‌انگاران در تعریف «هویت»، آن را تعریف خود یا «کیستی» خود در مقابل دیگری دانسته‌اند. از نظر آنها، هویت به دولت‌ها اجازه می‌دهد جهان خود را معنادار کنند و دیگر دولت‌ها را دوست یا دشمن خود بدانند. دولت‌ها با این تصورات، درصدد تغییر یا حفظ وضع موجود برمی‌آیند، با کشوری متحد می‌شوند و یا علیه دیگران اقدام می‌کنند (Wilmer, 2002: 59).

قطر نیز با توجه به بحران‌های اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه، سعی نموده با تأسی و حمایت از گفتمان اخوانی، در پی ایجاد مفصل‌بندی جدیدی از تعریف هویت خود باشد. به تبع، انقلاب‌های عربی و نوع واکنش قطر به این تحولات، در قاموس حمایت از جریان‌های اسلام‌گرای اخوانی، نوعی دست و پا کردن هویت جدید قطری در جامعه پرتلاطم خاورمیانه تفسیر می‌شود.

ج. رابطه اخوانی‌گرایی با سیاست و جامعه قطر

در ربع آخر قرن بیستم، قطر شاهد حضور گسترده اعضای اخوان المسلمین بوده است. موج نخست مهاجرت اخوان به سال ۱۹۵۴م در دوران رهبری جمال عبدالناصر باز می‌گردد. موج دوم مربوط به سال‌های پس از ۱۹۸۲ و سرکوب اخوان المسلمین در حرمه سوریه توسط حافظ الاسد رئیس جمهور سابق سوریه می‌شود. در نهایت، موج سوم، پس از عملیات یازدهم سپتامبر، در سال ۲۰۱۱م صورت پذیرفت. با افتتاح کانال خبری الجزیره در سال ۱۹۹۶، ارتباطی مستمر میان جریان‌های اخوانی و کانال الجزیره پدید آمد. در همین ارتباط، متفکر مصری «مأمون افندی»، در

روزنامه الشرق الاوسط، اعلام نمود بیش از ۵۰ درصد هیأت تحریریه و دفاتر الجزیره، از اعضای وابسته به جریان اخوان هستند. او اشاره می‌کند که الجزیره، جعبه ابزار امیر قطر در مواجهه با رهبران سیاسی عرب است. قطر با اعطای پناهندگی سیاسی، به صورتی مشخص به مرکز فرهنگیان و دگراندیشان اخوانی تبدیل شد. این مسئله پس از یازدهم سپتامبر و فرار بسیاری از اعضای اخوان از عربستان، مصر، سوریه و حتی وهابی‌های ساکن عربستان، بیش از پیش تشدید شد (مازئیل، ۲۰۰۹).

مأمون الفندی متذکر می‌شود که حاکمان قطر، از یک سو میزبان نیروهای آمریکایی در کشورشان هستند و از سوی دیگر، از ظرفیت‌های مردمی‌ترین جنبش معاصر جهان عرب بهره می‌برند. او این مشی سیاست خارجی قطر را عمل‌گرایی قطری می‌نامد (مازئیل، ۲۰۰۹).

همچنین، قینان الغامدی، رئیس تحریریه روزنامه الشرق معتقد است کانال الجزیره، ابزار تبلیغاتی اخوان المسلمین بوده و خواهد بود. وی اضافه می‌کند: «معتقدم کانال الجزیره، صدا و ایدئولوژی جنبش مشخصی است» (الغامدی، ۲۰۱۲).

از همین منظر، یعنی نظریه تکوین هویت اخوانی در عمل‌گرایی سیاست خارجی قطر، به مطالعه موردی تونس، مصر، لیبی و سوریه می‌پردازیم.

۱. تونس

فعالین سیاسی و سیاستمداران سکولار تونسی، عمدتاً درباره تحولات پس از انقلاب یاسمین، از جمله مداخله قطری-آمریکایی در این کشور هشدار داده‌اند. سرمایه‌گذاری گسترده قطر به نفع جریان النهضه (دارای گرایش اخوانی اعتدالی) در بحبوحه انتخابات اخیر تونس در ۲۰۱۱م، سبب اعتراض دیگر جریان‌های این کشور و هشدار نسبت به تبدیل نظام تونس به خلافت تحت زعامت امیر قطر شده است. در همین رابطه، روزنامه فایننشال تایمز بریتانیا، در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۱۱ (۲۷ آذر ۱۳۹۰)، در گزارشی متذکر شد که پس از ضعف قدرت‌های منطقه‌ای به سبب بهار عربی و رقابت ایران و عربستان سعودی، قطر در پی تبدیل شدن به رهبر احتمالی جهان عرب است. منابع گسترده مالی، ذخایر عظیم گاز و مالکیت تأثیرگذارترین کانال خبری عرب، یعنی الجزیره، نقش دیپلماسی بزرگ عرب را بازی می‌کند (المركز العربی للدراسات المستقبلیه، ۲۰۱۱).

در ابتدای انقلاب تونس، جرقه سیاست قطری زده شد. با تظاهرات مردمی در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ (۲۵ دیماه ۱۳۸۹)، روبروی مقر وزارت کشور تونس، کانال الجزیره به پوشش گسترده آن اقدام کرد. مردم حاضر در این تظاهرات، تصاویری از الجزیره در دست داشتند که بر آن نوشته بودند «تشکر، تشکر الجزیره». این نحوه خبررسانی، به رغم اینکه تمامی رسانه‌های غربی مشغول پوشش جشن‌های سال نوی میلادی بودند، بسیار تأثیرگذار بود. در این چارچوب، الجزیره اقدام به پخش صحنه‌های حیرت‌آور انقلاب تونس کرد (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

در همین رابطه، لمازی الحداد، در کتابی با عنوان، «نیمه پنهان انقلاب تونس»، معتقد است همکاری بی‌شائبه آمریکا و قطر در جهت‌گیری این انقلاب بسیار مؤثر بود. او اضافه می‌کند که دیدار الغنوشی از قطر، پس از انقلاب و دعوت از امیر قطر در نخستین روز افتتاحیه مجلس مؤسسان تونس، خود گویای این مطلب است که چگونه دوحه با کارت اسلام‌گرایان، نفوذی هوشمند را در خاورمیانه بسترسازی کرده است. او به همکاری پنهان آمریکا، قطر و عربستان برای فراری دادن بن‌علی و اعطای پناهندگی سیاسی به او توسط آل سعود، اشاره می‌کند (الحداد، ۲۰۱۲: ۳۳).

همچنین، حضور دوروزه امیر قطر در سال‌روز پیروزی انقلاب تونس در تاریخ ۱۴ ژانویه ۲۰۱۲م، مؤید نظرات مخالف در تونس در خصوص این سفر و هشدار نسبت به دخالت قطر در تونس جدید است. به ویژه اینکه، اخباری در خصوص رفیق عبدالسلام، وزیر خارجه کنونی تونس منشر شده که وی مرکز پژوهش‌های شبکه خبری الجزیره را اداره می‌کند و وابستگی شدیدی به این شبکه دارد (قاسم، ۲۰۱۲).

بر این اساس، سیاست خارجی تونس جدید تا حد زیادی با سیاست خارجی قطر هم‌سو و هم‌رأی شده است. اخراج سفیر سوریه از تونس، حمایت المرزوقی-رئیس‌جمهور کنونی تونس- از مخالفان حکومت بشار اسد و انتقاد تلویحی راشد الغنوشی از سیاست ایران در قبال بحران سوریه، از همین زاویه قابل تحلیل است. ارتباط دوستانه المرزوقی با برهان غلیون-رهبر پیشین مخالفان بشار الاسد- از پاریس و تلاش راشد الغنوشی و رفیق عبدالسلام، وزیر خارجه کنونی تونس، برای گسترش ارتباط این کشور با کشورهای عرب خلیج فارس، به ویژه قطر، گویای نفوذ امیرنشین دوحه در سیاست خارجی تونس است (قاسم، ۲۰۱۲).

۲. مصر

تاریخ ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، م یادآور حادثه‌ای بزرگ در تاریخ مصر است، حادثه‌ای که باید آن را برای مصری‌ها سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده برشمرد، چرا که دوره‌ای مهم را در تاریخ این کشور رقم زد. انقلاب ۲۵ ژانویه را باید «انقلاب جوانان مصری که منجر به سقوط دیکتاتوری حسنی مبارک و پس از آن، برگزاری انتخابات پارلمانی و پیروزی اسلام‌گرایان در این کشور شد» دانست. انقلاب مصر با همه فراز و نشیب‌هایش، بی‌شک یکی از تأثیرگذارترین وقایع تاریخ خاورمیانه در قرن بیست‌ویکم است.

در دیماه ۱۳۹۰، مهم‌ترین رخداد این سال برای مصر رقم خورد و آن برگزاری انتخابات سه‌مرحله‌ای در مصر و پیروزی اسلام‌گرایان در آن بود. بیش از سی میلیون واجد شرایط در انتخابات شرکت کردند (بیش از ۶۰ درصد واجدین حق رأی). مطابق نتایج آرا، حزب آزادی و عدالت موفق شد با ۴۷.۲ درصد از کل آرای مأخوذه، رتبه نخست را احراز کند. حزب آزادی و عدالت، شاخه سیاسی اخوان المسلمین، در مجموع، ۲۳۵ کرسی مجلس مردمی (الشعب) - ۱۲۷ کرسی لیستی و ۱۰۸ کرسی از کرسی‌های فردی را به دست آورد. مجموع تعداد رأی‌های مربوط به حزب فوق، ده میلیون و ۱۳۸ هزار و ۱۳۴ رأی بود.

مقام دوم از آن اتحاد سلفی‌ها به رهبری حزب النور شد. این اتحاد به جز النور، شامل حزب الأصالة و سازندگی و توسعه^۱، وابسته به جماعت اسلامی است. این جریان، ۲۴ درصد آرا را از آن خود کرد. ائتلاف سلفی‌ها موفق شد ۱۲۱ کرسی را در مجلس مردمی مصر کسب کند. این دستاورد، حاصل ۹۶ کرسی لیستی و ۲۵ کرسی فردی است. هفت میلیون و ۵۳۴ هزار و ۲۶۶ نفر به جریان سلفی رأی دادند. حزب الوسط، با ریشه‌های اسلامی، فقط توانست ۱۰ صندلی مجلس مصر را از آن خود کند. حزب الوفد، در این میان، مقام سوم را از آن خود کرد و توانست در مجموع، ۸/۸ کرسی‌های مجلس مردمی مصر را با ۳۸ کرسی کسب کند. دو میلیون

۱. لَبْناء وَالتَّنْمِيَة

۲. حزب الوسط جریانی اسلام‌خواه و مستقل از اخوان المسلمین محسوب می‌شود که شامل جوانان جنبش اسلامی مصر هستند. این حزب در سال ۱۹۹۵ میلادی با گفتمانی تکثرگرا تأسیس شد.

و ۴۸۰ هزار نفر، به این جریان لیبرال رأی دادند. در نهایت، جریان مصری «الکتلة المصریة» که شامل سه حزب مصریان آزاد و مصر مردم‌سالار اجتماعی و حزب التجمع هستند، در کل موفق به کسب ۳۴ کرسی، یعنی کمتر از ۷ درصد کل کرسی‌های مجلس مصر شدند. یک میلیون و ۴۰۲ هزار نفر به این جریان رأی دادند (أبوالعلا، ۲۰۱۲).

در ارتباط با پیروزی انتخاباتی اسلام‌گرایان که بیشتر پژوهش‌گران خاورمیانه آن را پیش‌بینی می‌کردند، باز هم می‌توان به سیاست عمل‌گرایی-اخوانی‌گری قطر برای بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی اخوان اشاره کرد. سید احمد رفعت، در همین پیوند اشاره می‌کند که طبق گزارش‌های ارائه‌شده از طرف گروه‌های مخالف اخوان المسلمین، نزدیک به ۵ تا ۷ میلیارد دلار از سوی سفارت‌های قطر و عربستان سعودی در قاهره، در اختیار نیروهای اخوانی (قطر) و وهابی (عربستان)، به عنوان کمک انتخاباتی قرار داده شده است. وی رابط میان این گروه‌ها و دو دولت قطر و عربستان را شیخ یوسف القرضاوی می‌داند. سید احمد نسبت به ایجاد فشار علیه شیعیان، صوفیان و قبطی‌ها از سوی جریان‌های افراطی، همچون سلفی‌ها هشدار می‌دهد (رفعت، ۲۰۱۱).

القرضاوی، رهبر معنوی اخوان المسلمین بوده و از حمایت مالی امیر قطر بهره‌مند است. قرضای، دارای تابعیتی قطری نیز هست. او نه تنها رهبر معنوی اخوان که با همکاری گسترده با الجزیره، رهبر معنوی انقلاب‌های عرب هم شناخته می‌شود. اینجاست که برخی از پشت پرده ارتباط میان قطر، قرضاوی و اخوان المسلمین سخن به میان می‌آوردند. انقلاب ۲۵ ژانویه مصر این مسئله را بیش از پیش مبرهن ساخت. قرضاوی در خطبه نماز جمعه در ۲۰۱۱/۱۱/۱۸م، رسماً از همه مصریان خواست به سکولارها رأی نداده و تنها از اخوانی‌ها حمایت کنند. او این انتخاب را فریضه شرعی اعلام کرد (المركز العربی للدراسات المستقبلیة، ۲۰۱۲).

ارتباط میان قرضاوی، اخوان المسلمین و الجزیره قطر، با تأسیس کانال «الجزیره مباشر مصر» بیشتر نمایان می‌شود. این کانال، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تکوین انقلاب مصر و معرفی اعضای مؤثر اخوان به مردم مصر بوده است. کانال مزبور به دلیل پخش مستقیم فحش سفارت رژیم صهیونیستی به دست جوانان مصری و دعوت از اخوانی‌ها، بارها توسط شورای نظامی مصر پلمب شده است. به عبارتی، همواره الجزیره، بخشی از هویت ملی قطر (برساختگی هویت جدید قطری) بوده و در راستای اهداف سیاست خارجی این کشور عمل کرده است (الحروب، ۲۰۱۱).

در همین پیوند، کانال الجزیره، به دلیل پوشش مستمر اعتراض‌های خیابانی در بعضی از کشورهای عربی (جز بحرین)، به کنش‌گر اصلی غیرحضور در خیابان‌های عربی مبدل شد. برخی تحلیل‌گران معتقدند کانال خبری الجزیره، به هنگام تعطیلی دفترش در قاهره، بیش از هر زمان دیگری، کنش‌گر اصلی در تحریک خیابانی، چه در سقوط بن‌علی و چه در سرنوشت رژیم مبارک بود. یکی از مواردی که کانال الجزیره را در مصر به کنش‌گر اصلی رسانه‌ای تبدیل کرد، استفاده از یوسف القرضاوی بود. وی، به رغم اعلام منع آمدوشد در خیابان‌های قاهره، در پیام تلویزیونی خود به مردم مصر، از آنها خواست تا سرنوشت مبارک به خانه‌هایشان برنگردند. او از الجزیره، به صورت زنده، مشارکت در تظاهرات را واجب شرعی اعلام کرد (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

باز در همین ارتباط، خالد الحروب، مدیر برنامه رسانه‌ای مرکز پژوهش‌های خلیج [فارس] در دانشگاه کمبریج، معتقد است الجزیره با حمایت از جنبش‌های اسلامی، در پی کسب سرمایه اجتماعی در جهان عرب و داشتن برگ برنده‌ای در قبال عربستان سعودی یا به نحوی، مهار نقش سعودی در میان جریان‌های اسلامی سنی است (الحروب، ۲۰۱۱). شایان ذکر است که قطر پس از آمریکا و عربستان، سومین دخالت‌کننده در امور داخلی مصر است. قطر اموال بسیاری را با عناوین مختلف برای خریدن وجدان افراد و تشکیل احزاب هزینه می‌کند. این امر باعث نارضایتی بسیاری از مصری‌ها شده است، چرا که آنها معتقدند حاتم‌بخشی‌های امیر قطر، دخالت آشکار در امور داخلی مصر و توهین به این کشور است (العالم، ۲۰۱۲).

در این چارچوب، حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر قطر، روز ۲۲ مرداد ۱۳۹۱، در جریان سفر خود به قاهره، با محمد مرسی، رئیس‌جمهور این کشور دیدار و اعلام کرد به مصر کمک مالی خواهد کرد. از میان مقامات عربی حوزه خلیج فارس، امیر قطر، نخستین مقامی است که از زمان ادای سوگند رئیس‌جمهور مصر تا کنون به این کشور سفر کرده است. در همین رابطه، روزنامه الیوم السابع نوشت: «روز گذشته در بیانیه‌ای، دفتر ریاست جمهوری مصر از واریز دو میلیارد دلار به حساب بانک مرکزی مصر از سوی دولت قطر خبر داد.» البته، برخی تحلیل‌ها بر این نکته تأکید دارند که محمد مرسی اخوانی، پیش از بازنشسته‌کردن محمد حسین طنطاوی وزیر دفاع و سامی عنان، رئیس ستاد مشترک ارتش مصر، دست به معامله سیاسی با نظامیان مصر از یک سو و برخی قدرت‌های خارجی، از سوی دیگر زده بود. برخی منابع خبری

گزارش دادند امیر قطر، حامل پیامی از سوی آمریکایی‌ها برای مقامات اخوانی مصری بوده که در آن، برتشکیل حکومت مدنی و پیاده‌سازی الگوی ترکی در مصر در مقابل همکاری امنیتی آمریکایی‌ها در صحرای سینا تأکید دارد (تایم، ۲۰۱۲).

۳. لیبی

نقطه اوج سیاست خارجی عمل‌گرایانه و تهاجمی قطر در سال ۲۰۱۱، قرارگرفتن این امیرنشین کوچک در کنار ناتو و ایفای نقش فعال در سرنگونی حکومت معمر قذافی بود. در جایی که خلاء حضور قدرت‌های بزرگتر عربی نظیر عربستان و مصر، یا به دلیل رعایت ملاحظات محافظه‌کاران در مناسبات خارجی و یا درگیری با بحران داخلی، کاملاً محسوس بود، قطر تمامی اهرم‌های سیاست خارجی خود را برای ایفای نقشی قاطع در لیبی به کار گرفت. قطر، نخستین کشوری بود که شورای انتقالی لیبی را به رسمیت شناخت و بزرگترین بازیگر استراتژیکی و سیاسی منطقه‌ای در لیبی جدید شد. در همین رابطه، روزنامه قطری «الشرق»، با اشاره به مهندس و معمار سیاست خارجی قطر، یعنی شیخ حمد بن جاسم بن جبر آل ثانی (وزیر خارجه کنونی قطر)، او را مدافع آشتی و اصلاحات در جاهایی که شاهد بحران‌های منطقه‌ای است، معرفی می‌کند (الکوار، ۲۰۱۱).

حمایت مالی و تسلیحاتی دوحه به انقلابیون لیبی با هدف سرنگونی معمر قذافی، نشان از راهبرد جدید قطر به عنوان بهترین بازوی منطقه‌ای غرب در خاورمیانه به جای عربستان سعودی دارد. ارتباط مستمر امیر قطر با اسلام‌گرایان اخوانی و سلفی لیبی، از جمله جریان بلحاج، گویای این نکته است که قطر نقش میانجی و رویکرد آشتی‌جویانه غرب با اسلام‌گرایان خاورمیانه را بر عهده گرفته است (المركز العربی للدراسات المستقبلية، ۲۰۱۱).

با وجود این، ناتو نیز با استفاده از حضور قطر به اقدامات براندازانه خود در لیبی مشروعیت عربی داد. حضور رهبران دولت منتخب شورای انتقالی لیبی در دوحه، بعد از به دست گرفتن قدرت در طرابلس، نشان داد اهمیت نقش قطر در براندازی رژیم قذافی، با نقش آمریکا، بریتانیا و فرانسه در یک ردیف قرار گرفته است، چرا که به گفته مروه فکری در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی قطر در قبال انقلاب‌های عربی»، در فقدان کشورهای

تأثیرگذار منطقه‌ای، همچون عربستان و مصر، به دلیل ترس از بحران‌های داخلی و فروپاشی نظام منطقه‌ای، قطر کمال استفاده را از این فرصت طلایی کرد (فکری، ۲۰۱۲).

در پایتخت لیبی، بلحاج که از پشتیبانی قطر و حمایت رسانه‌ای الجزیره برخوردار بود، یک جهادی است که در آرزوی قدرت سیاسی می‌باشد، بی‌آنکه هواخواهی در جامعه داشته باشد. به او لقب «مرد مهردار» داده‌اند، چون از قرار معلوم، به همراه یک تیم تلویزیون الجزیره و با مهر فرماندار نظامی طرابلس در شهر فعالیت می‌کند. البته، غالب مردم، نه مشتاق دریافت تنگ‌نظرانه او از اسلام‌اند و نه مشتاق حامیش امیر قطر که متهم به دخالت در امور کشور است (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۷). بسیاری از دیپلمات‌های لیبیایی و غربی معتقدند قطر کمک‌های فنی و نقدی گسترده‌ای به جنگجویان اسلام‌گرا برای سرنگونی قذافی و حتی تشویق آنها برای در اختیار گرفتن مناصب مهم دولتی مبدول کرده بود. در همین ارتباط، عبدالرحمن شلقم، وزیر خارجه سابق لیبی، به برنامه قطر در تشکیل حزبی منسجم و اسلامی به رهبری بلحاج شبیه حزب‌الله لبنان اشاره می‌کند. وی همچنین معتقد است امیر قطر، همراه با فرانسه و انگلستان، در پی تصاحب بانک‌ها و نفت و گاز لیبی است (میدل ایست أونلاین، ۲۰۱۱).

محمود جبریل، نخست‌وزیر سابق لیبی در شورای انتقالی، در یک سخنرانی در دوحه، پس از پیروزی انقلابیون و فتح طرابلس متذکر شد که قطر نقش بسزایی در تحولات لیبی بازی کرده است. او اضافه کرد که این امیرنشین نقش تعیین‌کننده‌ای در مسائل دارفور و فلسطین دارد (المركز العربی للدراسات المستقبلیه، ۲۰۱۱).

روزنامه گاردین، چاپ انگلستان نیز به راهبرد قطر در لیبی جدید اشاره می‌کند و در گزارشی، به حمایت مالی این امیرنشین از گروه بلحاج، رئیس شورای نظامی در طرابلس اشاره کرده و اضافه می‌کند که سیاست خارجی دوحه، قبل از انقلاب‌های عربی، بر مبنای الگوی مذاکره و میانجی‌گری قرار داشت، ولی پس از وقوع این انقلاب‌ها، به سمت الگوی مداخله مستقیم، حتی در ابعاد نظامی و سیاسی، سوق پیدا کرده است. برای نمونه، می‌توان به آموزش نظامی انقلابیون جبل نفوسه اشاره کرد. همچنین، حمایت گسترده قطر از علمای دینی لیبی، همچون الشیخ علی صلابی که مقیم دوحه بوده و ارتباطات زیادی با بلحاج دارد، می‌تواند سمت‌گیری خاص سیاست خارجی این امیرنشین را بیش از پیش نمایان سازد (الأخبار، ۲۰۱۱).

۴. سوریه

اعتراض‌های سیاسی سوریه در ۱۸ مارس ۲۰۱۱م در مسجد العمری شهر درعا - نزدیک مرز اردن - آغاز شد. به دلیل فعالیت شاخه اخوان المسلمین سوری در این اعتراض‌ها، برخی کشورهای عرب همچون عربستان و قطر، بی‌میل به حمایت از آن نبودند. قطر بر مبنای سیاست خارجی جدید خود، از جنبش اعتراضی علیه حکومت بشار اسد حمایت کرد. قطر نخستین کشور عربی بود که سفیر خود را بعد از بحرانی شدن اوضاع سوریه از دمشق فراخواند.

۱۰۷ شخصیت دینی به رهبری القرضاوی، در فتوایی خواستار سرنگونی حکومت بشار و حمایت از ارتش آزاد سوریه و پیوستن نظامیان به این ارتش شدند. آنها خواستار حمایت مادی و معنوی مردم عرب به مردم سوریه شده و از کشورهای عربی و اسلامی خواستند سفرای خود را از دمشق فراخوانند. امضاکنندگان این اعلامیه عبارتند از یوسف القرضاوی (مفتی مصر)، راشد الغنوشی (رهبر حزب النهضة)، صادق الغریانی، عبدالمجید الزندانی، عوض القرنی، سلمان بن فهد العوده، محمد حسان، أحمد هلیل و علی الصلابی (مفتی لیبی) (الجزیره، ۲۰۱۲).

طی بحران یک‌ساله سوریه، قطر در کنار مخالفان و رویاروی دولت بشار اسد قرار داشته است. گزارش‌هایی که بیشتر از سوی برخی منابع عربی، تقویت می‌شود، حاکی از کمک مالی قطر به شکل گرفتن نیروی مقاومت نظامی در سوریه مرکب از جنگ‌جویان سنی و تجهیز این نیرو در مرزهای مشترک آن کشور با ترکیه (شهر ادلب) است. رادیو سواء آمریکا به نقل از عمر ادلبی، عضو شواری ملی مخالف سوریه، تأکید داشته که امیر قطر، شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، پیشنهاد ارسال نیروهای عربی و غربی به خاک سوریه، به سبب آنچه را که او جلوگیری از خون‌ریزی در سوریه می‌خواند، داده است (سوریا جدید، ۲۰۱۲). حمایت سریع قطر از ارتش آزاد سوریه و شورای ملی سوریه، خود گویای این نکته است که قطر سیاست مداخله مستقیم منطقه‌ای را به عنوان الگویی جدید در منطقه پایه‌گذاری کرده است. در واقع، سیاست خارجی قطر در قبال سوریه، تلاش برای تکمیل هلال اخوانی از تونس و بنغازی به قاهره و از آنجا به دمشق است.

برای نمونه، کانال الجزیره، در برنامه مشهور خود به نام «الشریعه و الحیاه»، با موضوع «به سوی حلف الفضول جدید»، با دعوت از شیخ معاذ الخطیب، خطیب سابق مسجد اموی دمشق، به نوعی بر احیای «حلف الفضول جدید»^۱، در راستای حمایت از به قول او مظلومین سوریه در برابر بشار اسد، تأکید کرد. به عبارتی، استفاده از رویداد یا سازه تاریخی در دوران جاهلیت در جهت بهره‌برداری از مداخله بشردوستانه منطقه‌ای در جهان اسلام، شیوه و راهکار جدید سیاست خارجی قطر در بحبویه بحران یا جنگ داخلی سوریه است که در الجزیره طرح و تبلیغ می‌شود. این برنامه به نوعی جنگ داخلی در سوریه را با روایات تاریخی درآمیخته و مداخله در سوریه را در قاموسی بشردوستانه تفسیر کرده است (بن بیّه، ۲۰۱۲).

این مفاهیم همگی در کنش سیاسی خارجی قطر قابل کندوکاو است. البته، در خور یادآوری است که راشد الغنوشی نیز که وابستگی فکری و عقیدتی به جریان اخوان المسلمین دارد، بارها از شیوه جدید برای جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام، در قالب حلف الفضول جدید سیاسی سخن به میان آورده و از آن حمایت کرده است (ترکی، ۲۰۱۲).

درباره سیاست خارجی قطر در بحران سوریه، روزنامه تایمز چاپ بریتانیا، از قول مخالفان سوریه می‌نویسد: «قطر و عربستان حمایت‌های همه‌جانبه‌ای از ما داشته‌اند». مخالفان که خواستار دخالت ناتو در سوریه هستند، در حاشیه کنفرانس اتحادیه عرب با نمایندگان قطر و عربستان دیدار و حمایت این دو کشور از مخالفان را ستودند. در همین پیوند، روزنامه دیلی تلگراف مدعی است عمر بکری محمد، رهبر سابق گروه مهاجرین در بریتانیا و گروه «الغرباء» و دیگر گروه‌های سلفی، با هماهنگی نیروهای بلحاج مورد حمایت قطر، نزدیک مرزهای جنوبی سوریه مستقر شده‌اند (القدس العربی، ۲۰۱۲).

الجزیره قطر و الجزیره مباشر نیز در طول ناآرامی‌های سوریه، به صدای مخالفان اسد تبدیل شده‌اند. مخالفان با ارسال ویدئوهای اعتراض‌ها و نشان دادن تشکر خود از الجزیره و امیر قطر، رسماً مهر تأییدی بر سیاست قطر در قبال جریانات سوریه می‌زنند. پخش صحنه‌های دلخراش

۱. حلف الفضول به معنای پیمان جوان‌مردان، اشاره به عهد و پیمانی دارد که قبل از بعثت در مکه بسته شد. در آن هنگام، پیامبر (ص) به همراه عده‌ای از جوانان مکه در خانه عبدالله بن جدعان، اجتماع و سوگند یاد کردند به ستم‌دیدگان و افراد غریبه‌ای که وارد شهر می‌شوند و مورد ستم زورمندان قرار می‌گیرند، یاری کنند.

از درگیری مخالفان اسد با ارتش سوریه از الجزیره، نشان از حمایت کامل دوحه از مخالفان حکومت بشار اسد در سوریه دارد (شام نیوز، ۲۰۱۲).

روزنامه الوطن چاپ دمشق نیز به نقل از سفیر این کشور در مسکو، متذکر می‌شود که قطر، هزاران دلار به شکل ماهیانه در اختیار نویسندگان داخل روسیه قرار داده تا از طریق اینترنت، علیه حکومت بشار اسد، فعالیت کنند. علاوه بر این، به گزارش روزنامه الشرق الاوسط، اتحادیه عرب به محوریت قطر، ضمن اینکه عضویت سوریه در این اتحادیه را در ۱۶ نوامبر ۲۰۱۱م، به حالت تعلیق درآورد، در بیانیه خود با اشاره به استفاده از گزارش‌های تهیه‌شده از سوی ناظران عرب که به مدت یک ماه در سوریه فعال بودند، خواستار تشکیل دولت انتقالی در سوریه و تفویض تمامی اختیارات بشار اسد به معاونش برای شکل‌گیری این دولت و در نهایت، دولت وحدت ملی شدند. البته، مخالفت اسد موجب شکست طرح مزبور و ارجاع موضوع به شورای امنیت با حمایت قطر در تاریخ ۲۰۱۲/۲/۳ شد (الشرق الاوسط، ۲۰۱۲).

سیاست خارجی قطر در قبال حوادث سوریه تا حد زیادی کنش‌گری ایران در جهان عرب را نیز تحت الشعاع قرار داده است. به عبارتی، وخیم‌شدن اوضاع سیاسی - امنیتی سوریه، می‌تواند بر نوع نفوذ کنش ایران در منطقه مؤثر باشد. قطر و عربستان سعودی نیز با توجه به ارتباط جریان اخوانی سوریه با جریان‌های مشابه در کشورهای عربی، سعی در دامن‌زدن به آنچه مداخله ایران در سوریه و حمایت از علویان می‌خوانند، دارند. در همین رابطه و در پی سفر هنیه در سی‌وسومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از رهبران بلندپایه اخوان المسلمین در اردن خواستار لغو سفر نخست وزیر حماس به تهران شد. دکتر همام سعید در تماس تلفنی، از هنیه که در حال سفر به قطر بود، خواست به دلیل حمایت تهران از اسد، به این کشور سفر نکند (النجار، ۲۰۱۲).

همچنین، دوحه در تلاش است دفتر سیاسی حماس را به این کشور منتقل و از سرمایه اجتماعی حماس برای کنش‌گری خود در جهان عرب و میان گروه‌های اسلام‌گرای اخوانی استفاده کند. این سیاست، به نحوی مقابله با نقش سیاسی و نفوذ ایران در منطقه تعبیر می‌شود. قطر سعی کرده با تشکیل و حمایت از هلال اخوانی، تا حد زیادی، آنچه را هلال شیعی می‌خواند، تضعیف و موازنه جدیدی را در منطقه به کمک ترکیه ایجاد کند.

در بحبوحه اعتراض‌ها در سوریه، خالد مشعل-رئیس دفتر سیاسی حماس- در تماسی با رهبران سوریه، آنها را دعوت به اصلاحات سیاسی کرده و ناآرامی‌های سوریه را ادامه همان خیزش جهان عرب تعبیر کرده بود. نظام سوریه نیز از حماس خواسته بود موضع خود را صریحاً اعلام و از خط مقاومت دفاع کند (الزعاتره، ۲۰۱۲). موضع حماس و عدم حمایت صریح از حکومت بشاراسد، تشویق کشورهای عرب خلیج فارس، به ویژه قطر را به همراه داشت. همین کشورها و در رأس آنها قطر، مشوقان اصلی انتقال دفتر سیاسی حماس به کشور دیگر عربی بوده‌اند. این امر، می‌تواند مقابله با آنچه نظام سوریه، محور مقاومت در برابر اسرائیل می‌خواند، تفسیر و تعبیر گردد.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این نوشتار، تحلیلی اخوانی‌گرایانه از سیاست خارجی دولت قطر در قبال انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱م بود. در واقع، کنش‌گری امیرنشین قطر با اقتباس از گفتمان اسلام سیاسی اخوانی، به نوعی ارتباط عمل‌گرایی با اخوانی‌گرایی را در سیاست خارجی این امیرنشین حوزه خلیج فارس در جریان تحولات خیزش‌های مردمی جهان عرب، به تصویر می‌کشد. سنجش این سیاست خارجی در قبال تونس و کمک مستقیم مالی به حزب النهضة، استفاده از علمای دینی اخوانی همچون القرضاوی و بازتاب گسترده تحولات انقلاب ۲۵ ژانویه مصر در الجزیره و تأسیس الجزیره مباشر مصر در راستای منویات سیاسی خود، از جمله این شاخص‌های اخوانی‌گرایی قطری است. همچنین، عمل‌گرایی این امیرنشین در مداخله حقوق‌بشری در لیبی و همراهی با ناتو تا سرنگونی معمر قذافی و تشکیل هسته‌های شبه‌نظامی اسلام‌گرا همچون جریان بلحاج، همگی مؤید این نکته هستند که دوجه به سیاست خارجی جدید روی آورده است. بالاخره، تحولات سوریه و مداخله آشکار در جریان ناآرامی‌های این کشور، از جنگ رسانه‌ای علیه بشار اسد گرفته تا حمایت مستقیم مالی و تسلیحاتی از مخالفان، همگی تأییدکننده فرضیه این مقاله است. این سیمای کلی از سیاست اخوانی‌گرایی قطر، نیازمند تغییر الگوی رفتاری مشخص این امیرنشین بود. تغییر الگوی

سیاست خارجی میانجی‌گری به الگوی مداخله مستقیم منطقه‌ای با محوریت تلاش برای تشکیل هلال اخوانی، جهت و سمت‌گیری جدید قطر را نشان می‌دهد. این تعاملات به نوعی برجسته‌ساختن هویت جدید قطری را تداعی می‌کند. هویتی که در راستای شکل‌دهی به منافع و عملکرد دوحه، در آینده بی‌تأثیر نیست. به بیان دیگر، هویت هر دولت با ارجاعات ارزشی به گذشته و آینده شکل می‌گیرد، چرا که دولت‌ها با روایت تاریخ به شکلی خاص، آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند.

Archive of SID

منابع

ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۰)؛ تحولات و سناریوهای پیش‌رو در لیبی، گزارش راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۰)؛ «تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۲

ان سوزر رنون (۲۰۰۵)؛ *الاسلام السياسي وجه الى الوجه*، ترجمه هدی ایوب، پاریس. العالم (۲۰۱۱)؛ التدخل القطري في مصر،

<http://fa.alalam.ir/news/279734>

الحداد، لمازری (۲۰۱۲)؛ *وجه الخفي للثورة التونسية*، المركز العربي للدراسات المستقبلية. الحراسيس (۲۰۱۲)؛ *البراغماتية الإسلامية*

<http://www.sarayanews.com/object-article/view/id/117538/title>

الحروب، خالد (۲۰۱۱)؛ *المصدر القطري للربيع-العربي*،

<http://www.project-syndicate.org/commentary/qatar-s-source-of-arab-springs/arabic>

المركز العربي للدراسات المستقبلية (۲۰۱۲)؛ *خطبة القرضاوى الجمعة ۲۰۱۱/۱۱/۱۸*.

<http://www.mostakbaliat.com/print.php?p=6426>

الدجنی، حسام (۲۰۱۲)؛ *السياسة الخارجية لقطر*،

<http://hossam.elaphblog.com/posts.aspx?U=1447&A=105693>

الزعاترة، ياسر (۲۰۱۲)؛ *حماس إذ تتحدى الضغوط و تخرج من سوريا*،

<http://www.aljazeera.net/pointofview/pages/da3e9bde-4b42-4d8a-86b9-6a5ac0ae726e>

14 اکتبر (۲۰۰۷)؛ *السياسة الخارجية لدولة قطر*،

<http://www.14october.com/news.aspx?newsno=2910>

القرضاوى، يوسف (۲۰۱۲)؛ *الإسلاميون سيتعاملون بحكمة مع الغرب و إسرائيل*،

<http://www.middleeastbusiness.net/news/articles/25/3ufd4dcd3g70xpqq.html>

الشري، طارق (۱۹۸۱)؛ *الخلف بين النخبه و الجماهير، ازاء العلاقة بين القومية العربية و الاسلام*، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.

المركز العربي للدراسات المستقبلية (۲۰۱۱)؛ *علائم السورم القطري*،

<http://www.mostakbaliat.com/?p=14217>

اميل، على (۱۹۸۵)؛ *الاصلاحيه و العربيه و الدوله الوطنيه*، بيروت: دارالتنوير، المركز الثقافي العربي الدار البيضاء.

- الغامدی، قینان (۲۰۱۲)؛ قنأه الجزیره وسیلهٔ تعمل وفق فکر الإخوان المسلمين، و الشرق ستلتزم الخطاب الوطني،
<http://www.themedianote.com/news/1683>
- أبو الغلا، عبدالرحمن (۲۰۱۲)؛ قراءة فی نتائج الانتخابات المصرية،
<http://www.aljazeera.net/NR/exeres/D33BBB29-57FF-4610-BF3C-BF4D831DC916.htm>
- الكواری، ربيعة بن صباح (۲۰۱۱)؛ الحملات الحاقدة ضد قطر فی الخارج لا تزيدنا إلا قوة وتماسكاً
<http://www.al-sharq.com/articles/print.php?id=257371>
- القدس العربي (۲۰۱۲)؛ السعودية و قطر و افتتا على دعم المعارضة السورية و النظام يعتمد على القنصاة الإيرانية
و مقاتلی حزب الله،
<http://www.alquds.co.uk/index.asp?fname=today.htm>
- الاخبار (۲۰۱۱)؛ «الغارديان»: قطر تتجاوز استراتيجیة المساعدة فی ليبيا،
<http://www.al-akhbar.com/node/22971>
- الجزیره (۲۰۱۲)؛ حقوقيون عرب يؤيدون الجيش الحر،
<http://www.aljazeera.net/humanrights/pages/bd493929-91fd-4d91-8275-5d2841c0c1f3>
- النجار، محمد (۲۰۱۲)؛ الإخوان طالبوا هنيئاً بعدم زيارة إيران،
<http://www.aljazeera.net/news/pages/e2dd3789-e82d-4b56-99bc-57f70818a6c0>
- الشرق الاوسط (۲۰۱۲)؛ سوريا: أمين عام الجامعة العربية يقول إن مهمة المراقبين قد عطلت ولم تجمد،
<http://4thpa.net/index.php/middleeast/9716.html>
- باروت، محمد جمال (۱۹۹۲)؛ «الخطاب الاسلامی السياسي، بين تطبيق الشريعة و الحاكمية»، مجلس الوحدة،
السنه الثامن، العدد ۹۶.
- بن بيّه، عبدالله (۲۰۱۲)؛ نحو حلف فضول جديد،
<http://www.aljazeera.net/programs/pages/0d111213-853a-4100-80c3-59b6c59405c0>
- تسوريف، ميرا (۲۰۱۱)؛ باحثه كبيره فی "مركز دايان": حركة الإخوان المسلمين ستبني سياسة براغماتيه تمزج بين
الدين و الحداثه،
- <http://www.madarcenter.org/mash-had-details.php?id=23442&catid=21>
- بحراني، مرتضى (پائيز و زمستان ۱۳۸۴)؛ «اسلام و دموکراسی در اندیشه سياسي يوسف القرضاوی»، پژوهش
علوم سياسي، شماره اول، صص ۴-۱۳۳.
- تقی زاده، رضا (۲۰۱۲)؛ «قطر در راه سوئیس و اسرائیل؛ پاهای کوچک، پاپوش های بزرگ».
- www.radiofarda.com/author/8396.html
- ترکی، علی الربيعو (۲۰۱۲)؛ نحو منهج جديد للحركة الإسلامية.. الغنوشي يدعو إلى حلف فضول جديد؟ نقلا عن
صحيفة الحياة.
- <http://alarabnews.com/alshaab/2005/01-07-2005/7.htm>
- تايم (۲۰۱۲)؛ قرارات مرسى انقلاب على العسكر أم صفقة معهم؟،
<http://www.aljazeera.net/news/pages/9848cf5f-8ca2-40b7-a365-d1ee8def9823>
- جماعة الإخوان المسلمين المصرية (۲۰۱۱)؛
<http://egyptelections.carnegieendowment.org/ar/2011/11/01>

رفعت، سيد أحمد (2011-12-11)؛ مفكر مصري بارز يتهم قطر و السعودية و أمريكا بتمويل "الاخوان" و يعيب على "العربي" الخضوع لحكام الدوحة، المنار.

سوريا الجديدة (٢٠١٢)؛ قيادي معارض بسوريا يشيد باقتراح أمير قطر إرسال قوات عربية إلى سوريا،

<http://new-syria.com>

شام نيوز (٢٠١٢)؛ سانا تكشف وثيقة تبين قيام قطر بتمويل إعلاميين وشخصيات في موسكو للتجيش الإعلامي على سورية،

<http://shamnews.com/default.php?page=article&id=30711>

عبدالفتاح، نبيل (٢٠١٠)؛ " قناة الجزيرة أداة من أدوات السياسة الخارجية القطرية"،

<http://ar.qantara.de/9/11886c12009i1p260/index.html>

قاسم، روعة (٢٠١٢)؛ طرد السفير السوري من تونس و التماهي مع السياسة القطرية،

<http://www.alintiqad.com/essaydetails.php?eid=51699&cid=76>

قاسم، روعة (٢٠١٢)؛ جدل حول زيارة أمير قطر الى تونس، بانوراما الشرق الاوسط،

<http://www.mepanorama.com/91217>

فكري، مروة (٢٠١٢)؛ السياسة القطرية تجاه دول الثورات العربية، لمجلة السياسة الدولية،

<http://www.siyassa.org.eg/NewsContent/3/112/2067.aspx>

مازنييل، تسفي (٢٠٠٩)؛ الجزيرة و قطر: امبراطورية الظلام للأخوان المسلمين؟

<http://www.infoelarab.org/page.php?act=tabhistory&id=26>

ميدل ايست أونلاين (٢٠١١)؛ جبريل بعد شلغم: قطر ستتكسر من الوسط ان لعبت أكبر مندورها في ليبيا،

<http://www.middle-east-online.com/?id=120203>

نجيم (٢٠١٢)؛ الثورات العربية تكشف الوجه الحقيقي للسياسة القطرية، وقت الجزائر. الخميس ٠٩ فيفري مالموافق

١٦ ربيع الأول ١٤٣٣هـ العدد ٩١١

وزاره الخارجيه (٢٠١٢)؛ السياسة الخارجية،

<http://www.mofa.gov.qa/details.cfm?id=138>

Wendt, Alexander (1994); "Collective Identity Formation and International State", **American Political Science Review**, Vol. 88, No 2.

Wilmer, Frank (2002); **The Social Construction of the Man, State and War**, London: Routledge.